

تبعیدی عصیان‌گر

سعید می‌گفت هیچ‌گاه نسبت به نهادها یا جریانات غالب احساس تعلق نکردم

هومان دوراندیش

سعید در این گفت‌وگو صریح است. او بحث‌هایی را بس می‌کنند که شاید بسیاری از خوانندگان آثار او پس از این گفت‌وگو از این اطلاع‌بنداسته‌اند. سعید در پاسخ به منفردان خود هم صراحت لهجه دارد. با همه کسانی که مهم‌ترین اثر او، یعنی «شرق‌شناسی» را بدیده‌اند تا بدانست نادرستی از آن ارائه داده‌اند، با صراحت خاص خود جدل می‌کند و دلایل خود را برای ایجاد فاصله از تعاسر غلط اعلام می‌کند. او فعالیت‌های خود برای جنبش‌های فلسطین را به تفصیل بیان می‌کند و از رابطه و گفت‌وگوهایش با باسرا عرفات می‌گوید. زندگی سیاسی، فکری، فرهنگی و حوادث کودکی و زندگی و شخصی، بعضی از ابعاد مهم این گفت‌وگو با طارق علی فلمسار و روشمکر ناکسنانی است.

فرهنگ زنده‌ی مقاومت

کتاب و فکر با الازرا
طارق علی
ترجمه آرش جلال‌مستر



گفت‌وگو با ادوارد سعید



طارق علی - روشنفکر و فیلمساز پاکستانی - در سال ۱۹۷۲ برای نخستین بار ادوارد سعید را در سمیناری در نیویورک می‌بیند. او در مقدمه همین گفت‌وگو می‌نویسد: «در آن روزهای پر تلاطم آنچه او را از بقیه ما متمایز می‌کرد، شیک پوشی بی‌نقص بود». طارق علی در سال ۱۹۹۴ مستندی به نام «گفت‌وگو با ادوارد سعید» می‌سازد که در واقع کتاب حاضر بخشی از گفت‌وگوهای او در همان فیلم است. در آن فیلم، مخاطب با جلوه‌های تازه‌ای از زندگی سعید آشنایی می‌شود؛ مانند مهارت سعید در نواختن پیانو.

را مد نظر ندانسته است... و بنابراین معتقدم بعضی که دوست دارند در این اثر بیانی‌ای بیابند، به شیوه‌ای تقلیل‌گرایانه دست به خواست آن زده‌اند؛ در حالی که از دید من در این اثر خبری از بیانی‌ه نیست». شرح رابطه ادوارد سعید با یاسر عرفات هم از بخش‌های جذاب کتاب است.

وی با اینکه می‌گوید عرفات «اهل گوش دادن بود و این در دنیای عرب خیلی عجیب و غیر معمول است»، با این حال به رنجش خاطر دائمی‌اش از سوءظن بنیادین عرفات نسبت به خودش سخن می‌گوید: «نبرد بزرگ من و او از این نشأت می‌گرفت که او مرا نماینده آمریکا می‌دانست (این موضوع را تا کنون در حایه نگفته‌ام). او درک نمی‌کرد که یک شخص خاص در امریکا می‌تواند مستقل باشد و از اندیشه‌های خودش سخن بگوید و هم نمی‌فهمید که من یک فلسطینی هستم... هرگز این موضوع را درک نکرد و همواره بر این عقیده بود که یک برنامه آمریکایی وجود دارد و مرا هم آمریکایی می‌دانست و این امر بر من بسیار گران می‌آمد».

بی‌تردید فرهنگ زنده مقاومت در شناخت بیشتر ادوارد سعید مدد رسان است. این کتاب نه تنها خواننده را با باره‌ای از افکار سعید آشنایی می‌سازد بلکه از طریق نمایش زندگی و دنیای شخصی سعید و همچنین با بر افساب افکندن انگیزه‌های امپریالیسم‌ستیزانه و فلسطین خواهانه وی، مانع از آن می‌شود که ادوارد سعید سکولار چپ‌گرا توسط بنیادگرایان عبر سکولار مصادره شود.

می‌داند، چنین می‌گوید: «بله، کاملاً. هیچ‌گاه نسبت به نهادها یا جریانات غالب احساس تعلق نکردم. به جریانات غالب علاقه‌مندم».

به آنها حسادت می‌ورزم. گاهی اوقات و در بعضی شرایط نسبت به مردمی که به آنها تعلق دارند حسادت می‌ورزم چون خود از آن قماش نیستم ولی در کل، آنان را دشمن خود می‌پندارم». در واقع سعید خود را معیم مقام عصیان می‌دانست و به هیچ‌وجه هم میل به خروج از این وادی را نداشت.

وی در این باره می‌گوید: «از دید من مبارزه اصلی... این است که به خود اجازه ماندگاری در یک الگو راندهم، پیش‌بینی‌پذیر نشوم و هیچ چیز، حتی آثار قبلی‌ام، مرا در اختیار خود نگیرد...».

من خود را چپ می‌دانم ولی وقتی نوبت به تکرار بعضی فرمول‌ها و به خصوص فرمول‌های تعلق‌آور می‌رسد، نمی‌توانم خود را به آنها متعهد بدانم... از منظر روشنفکری بیش از هر چیز از جریان‌های اصلی مارکسیسم آموخته‌ام... ولی همواره نگران این بوده‌ام که همه اینها ممکن است نظام‌مند بوده و نیازمند تعلق یا وفاداری باشد».

ادوارد سعید با نظم حاکم بر جهان غرب چندان همدل و همراه نبود و عمری را در دفاع از مردم فلسطین سپری کرد و آموزه‌های شرق‌شناسانه را محصول سوء تفاهم سیستماتیک عرب‌بیان نسبت به شرق می‌دانست. وی درباره تأثیرات سوء کتاب شرق‌شناسی‌اش در جهان اسلام می‌گوید: «این اثر، حمله کورکورانه به «عرب»

فرهنگ زنده مقاومت، گفت‌وگوی طارق علی نویسنده و فیلمساز پاکستانی مقیم انگلستان با ادوارد سعید است؛ گفت‌وگویی که در ۱۹۹۴ در خانه سعید انجام شده است. ادوارد سعید در این گفت‌وگو جهان خویش را روشن و بی‌پرده ترسیم می‌کند.

او فارغ از ملاحظه پسند و ناپسند مخاطبان و خوانندگانش، درباره مطالبات و مطالبات فرهنگی-سیاسی خویش سخن می‌گوید. کار گفت‌وگوی طارق علی با ادوارد سعید، همدلانه‌ترین می‌رود؛ هم از این رو، جهان رنگارنگ و پراشک ادوارد سعید از پس پشت یک گفت‌وگوی چالشی در پیش روی خواننده ترسیم نمی‌شود.

سعید در این کتاب درباره بسیاری از مولفه‌های سازنده دنیایش سخن می‌گوید؛ بیماری سرطان، خاطرات کودکی و نقش ویژه مادرش در شکل‌گیری شخصیتش، موسیقی، ادبیات، فلسطین و یاسر عرفات، شرق‌شناسی، رابطه فرهنگ و سیاست، نسبت روشنفکران و سیاست، زندگی در امریکا، تعلق خاطرش به نیویورک و عدم رغبتش به مقوله هویت.

از خلال سخنان سعید در این گفت‌وگو، بسی چیزها درباره شخصیت و ذهنیت او فراچنگ خواننده می‌آید؛ مثلاً اینکه چپ‌گرایی ادوارد سعید تا حد زیادی محصول خلق و خوی اوست.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا هنوز هم همانند دوران مدرسه رفتنش خود را در حال مبارزه با جریان غالب